

"المان مقامات نظامی ان کشور را بخاطر واقعه افغانستان از کار برکنار نمود"

بتاریخ بیست و ششم ماه نومبر امسال فرانس یوزف یونگ، وزیر دفاع سابق المان، متهم به مخفی نگه داشتن معلومات در مورد یک تهاجم قوای المانی در ولایت قندز که طبق گزارش ها منفجر به کشته شدن شصت و نه طالب و سی ملکی گردید و متعاقب افشا گردیدن این موضوع ولفگا شین هادرهن، رئیس ارکان حرب المان از وظیفه اش برکنار گردید.

این واقعه زمانی اتفاق افتاد که طالبان دو تانکر مواد سوخت را به سرقت بردند و قوای ائتلاف مجبور به حمله به آنان گردیدند. احزاب مخالف حاضر در پارلمان آلمان بیان داشتند که در صورت ثابت گردیدن این اتهام وزیر دفاع سابق المان نخواهد توانست تا منحبث وزیر کار در کابینه جدید انگلا مرکل صدراعظم ان کشور ایفای وظیفه نماید و طبق تازه ترین گزارش ها آقای یونگ خود به دلیل مخفی نگه داشتن این معلومات از پست وزارتی که در کابینه خانم میرکل به وی پیشنهاد شده بود استعفی داده است.

معلومات مربوط به این واقعه توسط حکومت المان افشا گردید و انعکاس بزرگی از جانب مطبوعات ان کشور دریافت نمود، این در حالیست که حکومت افغانستان عکس العملی در برابر این تصامیم از جانب حکومت المان تاکنون بروز نداده است.

اگر به تاریخ تهاجماتی مشابه در افغانستان نظری بیاندازیم، واقعاتی از این نوع که کشوری مسولیت اشتباه خود را بر عهده گرفته و بخاطر ان مسولین و مقامات ارشد خود را از وظایف شان بخاطر تلفات کشور میزبان برکنار سازد نادر است و کشور المان بخاطر عکس العملی که در مقابل این واقعه از خود نشان داد میتواند نمونه یی برای کشور های دیگر و بخصوص افغانستان باشد که هم اکنون مرتکبین جرایم مختلف در ان ازادانه هنوز هم بر مردم حکم میرانند و وقیحانه طوری وانمود میکنند که انگار هیچ جرمی را مرتکب نشده اند.

"بزرگشی"

در سرزمین میخکوب شده با کوه های قهوه یی

دیر و قتیست که وجدان ها مردست

در سراب ارزو های دیرینه مردم

رحم، وسعتی کوچکتر از یک دشنه دارد

بازی شروع میگرد

بازیکنان با کلاه های پوست یک بره با چشمان بر آمده

و پوستین های رنگین از وحشت و درد گوسفندان قربانی

و عواطفی که مسخ شدست

سوار بر اسب های سیاهی که از دماغشان دود عدوت بر میخیزد

در گرد میدان جمع میشوند

و با حرص منتظر سری هستند که باید برای بازیشان

بریده شود و کشیده شود و با چماق بر فرق ان کوبیده شود

هر کس سوار بر اسبی از خودخواهی

برای پیروزی باید سر بریده

و رگ های اوخته گردنی را بر دست گیرد

در این خاک سیاه سوخته

وجدان در لابلای رنگ سرخ

در غلظت بوی خون نشئه گشته است

بره در شکم مادر برای کلاه شان
و مردم در رکاب اسب قدرت و لقایشان
چه اسان له میشوند
میدان پرست از وجدان های مست با ثروتی باد آورده
وجدان های مسخ شده در تخیل کرسی قدرت
و وجدان های بیدار که در چنگ جهل و خرافات
مانند سر بریده در میدان بزکشی بضرر مستان زنگی
خون پس میدهند و میمیرند
در اینجا دلهره رسانیدن سر بریده به نقطه عطفست
حتی اگر به گذشتن از اجساد بیانجامد
بیخیال خون تازه لخته شده بر رگ های یک گردن
باید سر را که چشمانش از حدقه بیرون زده
با دست و دندان و چماق
به خط خیالی پیروزی رسانید
نگران نباش که سر که را بریدند
برای این بازی
باید به بریدن سر و پریدن خون بر صورتت
عادت کنی
اینجا کشور بزکشان است
که هزاران سر را برای بازی خود
بدون لحظه یی تاسف بریده اند
و تا خط خیالی پیروزی خویش
بضرر لگد های اسب هایشان رسانیده اند
اگر میخواهی
در این بازی شریک گردی
باید انسان برای تو ارزش بیشتری از یک سر بریده را
که در کنار سم اسبت برای پیروزی خیالی تو
له میشود
نداشته باشد
باید سر ببری و بر سر بتازی و
به بوی نمکین خون عادت کنی
اینجا میدان بزکشان است
باید به چشم های سرخ و خون الودشان
به نفس های گندیده و تعفن بارشان
و به چهره های حیوان گونه یی
که با دیدن یک سر بریده نیشخندی گند الود بر ان نقش میندد
عادت کنی
اینجا دیربست که بزکشی ادامه دارد
بیا!
تو هم به تماشا بنشین

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲